

بازخوانی دیدگاه‌ها و مناقشات در باب روایت شیخ طریحی (م ۱۰۸۷) از حدیث کساء

رسول جعفریان^۱

روح الله توحیدی نیا^۲

چکیده

برخی رویدادهای بحث برانگیز در تاریخ تشیع، به تقابل دو یا چند جریان فکری درباره صحت یا مضمون روایات برمی‌گردد. محور یکی از این مجادلات که نزدیک به دو قرن پیشینه دارد، روایتی متفاوت از حدیث کساء است. اصل حدیث هر چند در منابع شیعه و سنی به ثبت رسیده، اما این روایت که با انگیزه برانگیختن احساسات شنوندگان و ساختار ادبی و داستانی از زبان حضرت زهرا علیها السلام نقل شده، هر از چندی موجب تقابل دو جریان فکری شد؛ که آخرین مورد آن در دهه گذشته رخ داد. مقصود نوشته حاضر اثبات یا رد این خبر نیست، بلکه تلاش شده تا پس از بررسی اجمالی شخصیت نخستین نقل کننده روایت و انگیزه وی، به مهم ترین نظریات و اقدامات علما، محققان و عموم شیعیان در مقاطع مختلف زمانی در این باره پرداخته شود. کلید واژه‌ها: حدیث کساء، شیخ طریحی، روایات داستانی، مفاتیح الجنان.

مقدمه

واقعه کساء در اخبار متعدد و با اسناد گوناگون در منابع شیعه^۳ و اهل سنت^۴ آمده است.

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران؛ ras.jafarian@gmail.com

۲. طلبه حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ roholahthohidi@yahoo.com

۳. برای نمونه، رک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۳؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۱۱۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۸؛ الأملی، طوسی، ص ۳۶۸؛ نهج الحق و کشف الصدق، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۴. برای نمونه، رک: مسند احمد بن حنبل، باب بدایة مسند عبدالله بن العباس و باب حدیث واثلة بن الاسقع؛ ترمذی، سنن، باب «من سورة الاحزاب»؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۱، ص ۱۹۵؛ شواهد التنزیل لقواعد

هرچند این روایات از جهت محتوا یکسان نیست، اما مسلّم است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عبایی بر روی خود، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام افکند و فرمود: خداوندا، اینان خاندان من هستند، رجس و آلودگی را از آنها دور کن؛ و در این هنگام آیه معروف به تطهیر^۵ نازل گردید. بزرگان و نویسندگان شیعه همواره از این واقعه به عنوان دلیل عصمت پنج تن و به طور کلی امامت امامان یاد کرده و به آن استناد نموده اند. چنان که امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خود در جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله یا ام سلمه^۶ برای اثبات برتری امام علی علیه السلام، این واقعه را تکرار می نمودند. در اوایل عصر غیبت نیز متکلمان امامیه بارها از این واقعه برای اثبات امامت و عصمت اهل بیت علیهم السلام در کتب خود بهره گرفتند^۷ و بر همین اساس نیز، تفاسیر اهل سنت درباره شان نزول آیه تطهیر، که در بیشتر موارد آیه را متوجه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و یا خویشاوندان آن حضرت می دانستند^۸ را، مردود اعلام کردند. تا اینجای بحث مسیر روشن است و شیعیان تلاش زیادی برای گردآوری طرق این روایت از منابع سنی نموده و درباره دلالت آن بحث کرده اند. از ظاهراً چنین برمی آید که در این زمینه، میان شیعیان هیچ اختلافی نیست.

اما از اواخر قرن یازدهم هجری به این سوی، متن و خبری مفصل از این واقعه مطرح شد که سخت مورد توجه مؤمنان قرار گرفته و بیش از هر چیز به عنوان دعایی برای توسل به اهل بیت علیهم السلام، و نه احتجاج به حقانیت و برتری اهل بیت علیهم السلام، مورد توجه قرار گرفت. از نظر شیعیان و مطابق برخی از روایات، نقل فضائل ائمه علیهم السلام در هر جلسه ای موجب مغفرت و اجراز سوی پروردگار خواهد شد^۹، اما مسأله مورد بحث آن بود که آیا می توان این خبر و محتوای آن را به شکلی که پیش از قرن یازدهم سابقه ندارد، مستند به بیان حضرت زهرا علیها السلام و مورد قبول دانست و از آن به عنوان توسل بهره برد؟

التفضیل، ج ۲، ص ۱۷؛ منهاج السنه، ج ۵، ص ۱۳.

۵. احزاب، ۳۳.

۶. الخصال، ج ۲، ص ۳۳۵ و ۵۶۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۷۸.

۷. الأمالی، طوسی، ص ۵۵۹.

۸. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۷۲.

۹. برای نمونه، رک: الأمالی، صدوق، ۵۵۹؛ خصال، ۵۶۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ۲۷۸. همچنین برای مشاهده

اسامی متکلمان و کتب آنها، رک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۷ و ۲۹۸.

۱۰. برای نمونه: جامع البیان، ج ۲۲، ص ۷؛ فتح القدر، ج ۴، ص ۲۸۰.

۱۱. برای مشاهده احادیث متعدد در این باره، رک: ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲-۲۳.

هرچند از همان نخستین سال‌های پیدایش این خبر، بحث‌های فراوانی درباره صحت یا عدم صحت آن طرح گردید، اما آنچه زمینه را برای تحقیق حاضر به وجود آورد، ظهور دوباره مجادلات درباره این حدیث در دو دهه گذشته است. چنان‌که اشاره کردیم در اینجا، مسأله اثبات یا رد حدیث و یا طرح تفصیلی آراء دو جریان موافق و مخالف نیست، بلکه تلاش می‌شود تا یک سیر کلی از دیدگاه‌ها و مناقشات پیش آمده درباره این حدیث به دست داده شود؛ و البته گاه پا را فراتر نهاده و به استنادات دو طرف مراجعه و صحت آن مشخص شود. شایان ذکر است که گذشت بیش از سه قرن از پیدایش این حدیث و عدم ثبت رخداد‌های مربوط به آن تا دوره معاصر، سبب شده تا بخش قابل توجهی از تحقیق نیز به کنش‌ها و واکنش‌های صورت گرفته در این دو دهه گذشته اختصاص یابد.

طریحی و روایت تازه حدیث کساء

بررسی منابع واقعه کساء نشان می‌دهد که هیچ‌یک از اخبار، یکجا به همه زوایای رویداد اشاره ندارد. با این حال، برای نخستین بار پس از قرن‌ها، این واقعه در کتاب *المنتخب فی جمع المراثی والخطب*، نوشته فخرالدین بن محمد بن علی مشهور به شیخ طریحی (م ۱۰۸۵ یا ۱۰۸۷ق)^{۱۲} با ارائه تصویری از زوایای مختلف واقعه و در قالب حدیثی از حضرت زهرا علیها السلام نقل گردید.^{۱۳} نگارنده این اثر، از عالمان نجف است، که بیش از هر چیز با کتاب *مجمع البحرین*، که در آن به توضیح واژگان مشکل و غریب قرآن و حدیث پرداخته،

۱۲. ریاض العلماء وفات وی را ۱۰۸۵ و ماضی النجف وفات او را دو سال عقب تر ذکر نموده است (ریاض العلماء، ج ۴، ص ۴۱۱؛ ماضی النجف، ج ۲، ص ۴۵۷)

۱۳. مطابق روایت شیخ طریحی، پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که حضرت زهرا علیها السلام احساس ضعف در بدن خود دارد، بروی وارد می‌شود. دخت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به دستور پدر، «کساء یمانی» را نزد حضرت آورده و پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که صورت ایشان همچون ماه می‌درخشید، در زیر آن قرار گرفت. سپس امام حسن، امام حسین و امام علی علیهم السلام به ترتیب و هر یک پس از مدتی کوتاه وارد منزل شده، پس از ورود، از استشمام رایحه حضرت رسول صلی الله علیه و آله متوجه ایشان شده و سپس با دستور پیامبر صلی الله علیه و آله در زیر کساء قرار می‌گیرند. از تمامی وارد شدگان به زیر کساء با صفات و مدائح بلندی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله استقبال می‌شود؛ و پس از آنکه حضرت زهرا علیها السلام نیز به آنان پیوست، پیامبر صلی الله علیه و آله دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده و خطاب به پروردگار، آنان را اهل بیت خود می‌خواند. بخش دیگر حدیث به سخنان رد و بدل شده میان خداوند و جبرئیل اشاره دارد و مطابق این گفت‌وگو، وجود همه کائنات به خاطر مقام و وجود اصحاب کساء دانسته می‌شود. سپس جبرئیل نیز اذن ورود در جمع اهل بیت علیهم السلام را از پروردگار گرفته، به زیر عبا وارد شده و در این هنگام، آیه تطهیر نازل می‌گردد. پایان بخش حدیث، سخنی از پیامبر صلی الله علیه و آله است که مطابق با آن، مومنانی که این خبر را در مجالس و محافل خود ذکر نمایند، مشمول رحمت و مغفرت الهی قرار خواهند گرفت (المنتخب، ص ۲۵۵-۲۵۷).

شناخته می شود.^{۱۴}

یکی از عواملی که سبب شهرت یافتن این اثر در بین شیعیان شد، شهرت و مقبولیت آل طریح^{۱۵}، از خاندان های عالم پرور شیعه بود. علاوه بر آن آثار شیخ طریحی به دلیل نگارش آثار متعدد، که برخی از آنها در روش دارای نوآوری و کارآمدی بود، مورد توجه علماء قرار گرفت.^{۱۶} در چگونگی ترویج آثار وی نمی توان به نقش شهرت منش و رفتار اخلاقی او اشاره نکرد. برای نمونه میرزا عبدالله افندی (م ح ۱۱۳۰ ق)، که از نزدیک با وی آشنایی دارد، از ویژگی های جَدَّاب شخصیت وی پرده برداشته و در کتاب *ریاض العلماء*، وی را عابدترین و باتقواترین اهل زمان خود خوانده است.^{۱۷} همین امر سبب شد تا تشییع جنازه وی، بزرگترین و مهم ترین روز برای مردم شهر نجف خوانده شود.^{۱۸} افندی به عامل دیگر گسترش کتاب *المنتخب* تصریح نموده و تاکید می کند که متاخران زمان ما کتابی که مربوط به جلسات شیخ در باب اهل بیت علیهم السلام بود را دست به دست نموده، و از شهری به شهر دیگر منتقل می کردند.^{۱۹}

این اثر دارای دو بخش کلی و هر بخش، شامل ده مجلس و هر مجلس، شامل چند باب است. ساختار کتاب نشان می دهد که مباحث مطرح شده در جلسات عمومی، که با خطابه شیخ طریحی همراه بوده است، مدتی بعد جمع آوری و تبویب شده است. در توضیح محتوای کتاب *المنتخب*، باید آن را کتابی مشتمل بر مرثیه ها و خطبه ها در منقبت اهل بیت علیهم السلام خواند، که به رغم مرسل بودن بیشتر احادیثش، به دلیل پاسخگویی به نیازمندی های شیعه عادی و عامی در دوره اخیر صفوی، مورد توجه خاص و عام قرار گرفت. نکته کلیدی که از واژه «المراثی» - که در عنوان کتاب ذکر شده - می توان فهمید آن است که طریحی در این کتاب قصد نقل عین اخبار را نداشته و مقصود وی انتقال داستانی به روز و با

۱۴. برای اطلاع بیشتر درباره شخصیت و جایگاه وی، رک: مجمع البحرین، مقدمه محقق، ص ۱-۱۸.

۱۵. آل طریح از تبار علم، فضل، ادب و تقوا، در نجف، و از قدیمی ترین و مشهورترین وریشه دارترین خانواده ها در مجد و شرف است. زمانی که رجال علم و اصلاح را بشمرند، خاندانی معروف تر از آنان در نجف نیست (پژوهشی درباره کتاب عوالم، ص ۲۶).

۱۶. اشکوری، مصحح کتاب مجمع البحرین، با اشاره به این دو ویژگی، با شمردن اسامی کتب وی، او را فقیهی بزرگ و مسلط به علوم عقلی و نقلی و مباحث رجال، تراجم و احوال راویان دانسته است (مجمع البحرین، مقدمه محقق، ص ۸).

۱۷. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۴۱۳.

۱۸. ماضی النجف و حاضرها، ج ۲، ص ۴۵۷.

۱۹. همان، ص ۴۱۴.

ساختار شور انگیز و مناسب مرثیه خوانی^{۲۰} بوده است. این موضوع با بررسی چند خبر از این کتاب به خوبی نمایان می‌گردد. برای نمونه خبری درباره شهادت زید بن علی (م ۱۲۱ق) از ابوحمزه ثمالی (م نیمه قرن ۲ق) نقل می‌شود که از جهت محتوا با منبع اولیه آن یعنی تفسیر ابی حمزه اختلاف دارد^{۲۱}؛ و یا خبری از حضرت رسول ﷺ مبنی بر خبر دادن جبرئیل به آن حضرت از زمین کربلا طرح می‌شود؛ که این خبر نیز از جهت محتوا با آنچه در منبع اصلی آن آمده، اختلاف زیادی دارد.^{۲۲} شواهدی این چنین سبب شده است تا برخی محققان معاصر، بر این باور باشند که شیخ طریحی این کتاب را در جوانی و برای آمادگی خود در جلسات مرثیه خوانی نوشته است و حتی شاید از این که بعدها این کتاب به دست دیگران افتاده و استنساخ شده، ناراضی و ناراحت بوده است.^{۲۳} می‌توان گفت حدیث مورد نظر از جمله متونی است که در دوره های گذشته به عنوان خبری معتبر شناخته می‌شدند، اما امروزه به دلایل مختلف نمی‌توان آنها را اینگونه دانست.^{۲۴}

روایت مورد بحث از حدیث کساء پیش از دوره معاصر

بررسی زمینه های اجتماعی و سیاسی بازگشت نص‌گرایی به جامعه امامیه در عصر صفوی، دلیل استقبال از حدیث کساء شیخ طریحی را نمایان تر خواهد نمود. از عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری اخباری‌گری، اختلافات فرقه‌ای و اوج گرفتن واگرایی میان شیعیان و اهل سنت در این دوره است^{۲۵}؛ که بخش قابل توجهی از آن به تنش میان دو حکومت صفوی و عثمانی بر می‌گردد.^{۲۶} صفویان پیروزی های خود را در میان ایرانیان، و امدار حس

۲۰. در این نوع بیان، برای برانگیختن احساسات مخاطب از راه های مختلف سمعی و بصری استفاده می‌شود و بنایی بر طرح عین آنچه رخ داده وجود ندارد (درباره این لغت، رک: کتاب العین، ج ۸، ص ۲۳۴). از این رو طریحی در تمای جلسات از عباراتی چون «ایها المومنون المخلصون»، «ایها الامناء الصالحون»، «اعلموان...»، «فانظروا یا اخوانی الی...»، «و یا اخوانی کیف لانبکی...»، «یا اخوانی کیف الصبر علی...» که عباراتی برای شروع مرثیه خوانی است استفاده می‌کند (المنتخب، ص ۵، ۸، ۱۸، ۲۳ و...).

۲۱. مقایسه کنید: تفسیر ابی حمزه الثمالی، ص ۷۳؛ المنتخب، ص ۳۸۷ و یا مقایسه کنید: مکارم الاخلاق، ص ۳۱۸؛ المنتخب، ص ۳۸۸.

۲۲. مقایسه کنید: مشیر الاحزان، ص ۹؛ المنتخب، ص ۲۳۰.

۲۳. یوسفی غروی، جلسه بررسی تحلیلی سیر مقتل نگاری عاشورا در سلسله جلسات نظریه پردازی موسسه فهمیم.

۲۴. این ویژگی است که برای بسیاری از مقاتل داستانی عصر صفوی می‌توان به کار برد (تاریخ خلفا و مقتل امام حسین علیه السلام، ص ۶۲).

۲۵. اخباری‌گری، ص ۶۵.

۲۶. از جمله شواهد این تنش مهاجرت علمای شیعه به ایران و تشدید منع ورود آنان به قلمرو عثمانی است (تاریخ حدیث

عمیق مردم نسبت به این دولت به عنوان پاسدار مذهب تشیع می دیدند و به همین دلیل در طول دو قرن، به طور مداوم تعامل بسیار خوبی با عالمان شیعه به ویژه مؤلفان شیعی که در حوزه امامت قلم می زدند، داشتند. به همین دلیل آنان پشتیبانی از آن دسته از عالمان را که در ابراز تشیع اصرار بیشتری ورزیده و به خصوص با تمسک به اخبار شیعی در این باره خود را مصمم تر نشان می دادند، وظیفه خود می دانستند.^{۲۷} طبیعی است که با اوج گیری اختلافات مذهبی، عالمان هر گروه، بر ادله موجود در منابع طرف مقابل پافشاری و تلاش در جا افتادن این ادله در اذهان عمومی داشتند. در همین شرایط بسیاری از علمای شیعه با تساهل در نقل احادیث ضعیف یا بی سند و با پشتوانه جایگاه علمی شان، زمینه تسلط رویکرد نص‌گرایی را فراهم آوردند.^{۲۸}

حدیث کساء چنان‌که در مقدمه ذکر شد از جمله دلایل حقانیت شیعه بود؛ و بدیهی است که در این شرایط طرح واقعه کساء در قالبی داستانی از سوی یکی از علمای مشهور شیعه، به خوبی می توانست اهداف یاد شده صفویان را نیز تحقق بخشد. توجه به این نکته که حتی بسیاری اصولیون نیز، به رغم پافشاری بر مواضع خود در مباحث فقهی، در حوزه تاریخ رویه ای شبه اخباری را برگزیدند^{۲۹}، نشان می دهد که نمی توان علت پدید آمدن این متن را صرف اخباری بودن مولف آن خواند؛ بلکه تسلط قواعدی چون «تسامح در ادله سنن» یا «جبران ضعف سند به واسطه شهرت راوی» را باید از عوامل کلیدی شکل گیری و استقبال از این‌گونه متون دانست.^{۳۰} بررسی کتب برجای مانده این دوره نشان می دهد که این‌گونه قواعد بیشترین آسیب را به آن بخش از تاریخنگاری زد که با صورت داستانی، نقل جزئیات و تاکید بر عنصر عاطفه و با هدف رفع نیاز عمومی نگاشته می شد.

شاید بتوان نخستین ظهور اختلاف بر سر این حدیث را با طرح دیدگاه علامه مجلسی (م ۱۱۱۰) و شاگردان وی دانست. در کتاب *بحار الانوار*، که با هدف جمع آوری آثار و روایات شیعه - و نه گردآوری روایات صحیح و متقن - نگاشته شد، از حدیث کساء جدید سخنی

شیعه در سده هشتم تا یازدهم، ص ۲۷۹).

۲۷. خانقاه سازی در قرن ۷ تا ۹، ص ۲۶۸-۲۷۲.

۲۸. اخباری گری، ص ۶۹.

۲۹. درایت و روایت در هدف نگاری قیام عاشورا، ص ۶۵.

۳۰. درباره این قواعد و اثر آن بر شکل گیری متون مرثیه در این دوره، رک: همان، ص ۶۱.

به میان نیامد؛ اما شاگرد علامه^{۳۱} شیخ عبدالله بحرانی (م ۱۱۳۵ق)، این حدیث را در کتاب *عوامل العلوم* ذکر نمود، تا این حدیث بیش از گذشته مقبولیت یابد.^{۳۲} توجه به دو نکته در تحلیل این اقدام شیخ بحرانی مهم است. نخست آن که وی از علمای مشهور زمان خود نبوده، زیرا با مراجعه به کتب تراجم نگاشته شده در قرن دوازدهم و سیزدهم و حتی برخی تراجم چون «لواء البحرین»، که به شرح احوال علمای بحرین در این دوره پرداختند، سخن و نامی از وی نیامده است. بنابراین شهرت وی را می توان به دلیل باقی ماندن کتاب هایش دانست، که بخش قابل توجهی از آنها اکنون تنها به صورت نسخه خطی در برخی کتابخانه ها وجود دارد. نکته مهم دیگر آن که بحرانی از جهت نگرش اخباری گری بسیار شدیدتر از استاد خود بوده است^{۳۳}؛ چنان که وی بسیاری از معارف عقلیه کتاب *بحار الانوار* را در نگارش *عوامل العلوم* حذف کرده^{۳۴} و یا تلاش نموده تا برای برخی اخبار از کتب پیشین مصادری را فراهم سازد و ارائه دهد.^{۳۵}

با این حال، گذشت زمان و تغییر نسبی در رویکرد علمای شیعه و ورود جدی علما به عرصه نقد روایات، سبب شد تا این مساله که «محتوای کتبی چون *المنتخب* تا چه اندازه قابل اعتماد است؟» ذهن اندیشه وران را نیز به خود مشغول کند؛ و به دنبال آن این پرسش مطرح گردد که آیا مولف کتاب *المنتخب* در طرح مناقب و فضائل اهل بیت علیهم السلام، توانسته کتاب خود را از هرگونه شائبه ای، از اقدامات غالیانه گرفته تا جعل یا دادن شکل داستانی و رازگونه به وقایع، به دور نگاه دارد یا همچون بسیاری موارد بدون در نظر گرفتن چنین مباحثی، هم خود را حل نیاز شیعه و پاسخگویی به آنان دانسته است؟

مطالعات از سوی برخی علمای بزرگ نشان داد که این کتاب با ساختاری کشکول گونه و در موارد متعدد به صورت نامستند و بدون تحقیقی جامع تالیف شده است. بنابراین محدث نوری (م ۱۳۲۰ق) *المنتخب* طریحی را مشتمل بر مطالب موهون و غیر موهون دانست^{۳۶} و یا مرحوم میرزا محمد ارباب (م ۱۳۴۱ق) تاکید نمود که در کتاب *منتخب*،

۳۱. در مورد بیش از بیست سال شاگردی وی نزد علامه مجلسی؛ رک: پژوهشی درباره کتاب *عوامل*، ص ۷.

۳۲. *عوامل العلوم*، ج ۲، ص ۹۲۷.

۳۳. طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۲.

۳۴. همان.

۳۵. برای مشاهده برخی موارد از این دست، رک: پژوهشی درباره کتاب *عوامل*، ص ۹-۱۲.

۳۶. لؤلؤ و مرجان، ص ۲۸۷.

مسامحات بسیار به کاررفته و روایت مختص به آن اعتباری ندارد.^{۳۷} البته در همین دوره نیز برخی علما با طرح احتمالاتی تلاش در حفظ حدیث شهرت یافته کساء و ترویج آن داشتند. برای نمونه صاحب عروه (م ۱۳۳۷ق) در پاسخ به سوالی، اعلام نمود که این خبر با آن که مرسل است، در شمار اخبار دیگر نقل شده از واقعه کساء بوده و ارسال آن ضرری به صحت آن نمی‌رساند.^{۳۸} برخی دیگر از محدثان این دوره نیز برای ترویج بیشتر این گونه متون، به جمع آوری و یا نگارش شرح بر آن پرداختند؛ که از آخرین موارد می‌توان از *التحفة الکسائیة*، نوشته شیخ محمد حسین بافقی یزدی (م ۱۳۱۰ق) و *کشف الغطاء عن حدیث الکساء*، نوشته شیخ علی آل عبدالغفار کشمیری (م ۱۳۴۵ق) یاد کرد.

محدث قمی (م ۱۳۵۹ق)، از آخرین محققان عصریاد شده و نویسنده پرخواننده ترین کتاب ادعیه یعنی *مفاتیح الجنان* اما نظری برخلاف این داشت. او که از دغدغه‌هایش جلوگیری از راهیابی و نفوذ خرافه و تحریف به مراثی، ادعیه و زیارت‌نامه‌ها بود، درباره یکی از اخبار کتاب *المنتخب* نوشت: «جمله ای از ذاکرین مصائب، باک از اختراع وقایع مبکیه ندارند. بسا باشد که اختراع سخنی کند و خود را مشمول حدیث من ابکی فله الجنة می‌داند و به طول زمان همان حرف دروغ شیوعی در تألیفات جدید پیدا کند و هرگاه محدث مطلع امین منع از آن اکاذیب نماید، نسبت به کتابی مطبوع یا به کلامی مسموع دهد، یا تمسک به قاعده تسامح در ادله سنن را دست‌آویز نقل‌های ضعیف قرار دهد».^{۳۹}

مرحوم قمی با همین گرایش، گزارش مورد بحث از واقعه کساء را در کتاب *مفاتیح الجنان* نیاورد و تصریح نمود که «حدیث کساء به این کیفیت در کتب معروف و اصول حدیث و مجامع متقن قابل مشاهده نیست و می‌توان گفت که از خصائص کتاب *منتخب* است».^{۴۰} نیز باید توجه داشت که شیخ عباس قمی از شاگردان مکتب میرزا حسین نوری، محدث بزرگ اخباری، بوده و این نیز یکی از دلایل مهم بی‌اعتمادی او به این روایت از حدیث از کساء است، چرا که در این زمینه وی از استاد خود و مکتب او پیروی کرده است. میرزای نوری از جمله با کتاب *لؤلؤ و مرجان* شناخته می‌شود که در نقد روایات داستانی عاشورا و روضه خوانان است. این گرایش را شیخ عباس قمی، در مقدمه *نفس المهموم* نیز دارد و

۳۷. اربعین حسینه، ص ۲۴۳.

۳۸. سؤال و جواب للسید الیزدی، ص ۲۳۲.

۳۹. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۵۷۰.

۴۰. همان، ص ۸۲۰.

نسبت به مقتل داستانی کربلا که منسوب به ابومخنف است، موضع منفی دارد. توجه به این نکته خالی از فایده نیست که پس از عصر صفوی این حدیث کم و بیش میان علمای منبری شهرت داشته است. ملا زلفعلی کرونلی (م ۱۲۹۰ش)، شاعر مشهور بختیاری، آن را به مثابه یکی از اعتقادات و مناسک شیعیان و به صورت یک منظومه بلند به زبان لری بختیاری به شعر در آورده است.^{۴۱} جالب است که حتی خوشنویسان این عصر به نگارش این حدیث اهتمام ورزیدند؛ چنان‌که یکی از منشیان دربار ناصرالدین شاه (م ۱۲۷۵ش)، اثری گرانبها با عنوان «حدیث کساء منظوم» پدید آورد.^{۴۲}

قائلین به ضعف حدیث در دو دهه گذشته

اختلافات در بین دو دیدگاه یاد شده هیچگاه موجب غلبه یکی از آنها بر دیگری نشده و مسأله اختلاف، سبب نشد تا نگرانی خاصی در منازعات داخلی جامعه شیعه پدید آید. این بود تا آن‌که آیه الله محمد محمدی ری شهری در سال ۱۳۷۵ش در کتاب *اهل‌البیت فی‌الکتاب والسنه*^{۴۳} و حدیث کساء مورد بحث را از جهت متن و سند به چالش کشید. ترجمه این کتاب، در سال ۱۳۷۹ش به چاپ رسید. در اوایل دهه هشتاد خورشیدی این مسأله سبب انگیزش اختلافاتی در میان اهل نظر و عامه مردم شد. در ابتدای سال ۱۳۸۳ش در گفتگویی که کیهان فرهنگی با آیه الله ری شهری در موضوع اخبار مشهور اما غیر مستند داشت، وی اعلام نمود که حدیث کساء مورد بحث، از نظر متن و سند دارای اشکال است. وی پیشینه تاریخی این متن را حدود دویست سال دانست و اضافه شدن آن به عنوان حدیث به کتاب *مفاتیح* را - در حالی که شیخ عباس قمی آن را به عمد کنار گذاشته بود - اقدامی از سوی متاخران دانست.^{۴۴} همچنین با توجه به مقبولیت علامه مجلسی در نظر و

۴۱. این قصیده با نام حدیث کساء ۱۳۲ بیت دارد و نخستین بار در سال ۱۹۲۷م در روسیه به چاپ رسیده است (پژوهشی در منظومه ی حدیث کساء به زبان لری بختیاری).

۴۲. فهرست خوشنویسان دوران قاجار تا معاصر، ذیل نام وی.

۴۳. گفتنی است ری شهری در این کتاب، در ده‌ها صفحه، تقریباً تمامی نقل‌های «حدیث کساء» را با اشاره به منابع فراوان آنها گرد آورده و در فضائل اهل بیت علیهم‌السلام به آن استناد کرده است.

۴۴. شایان ذکر است که طبق توافق مولف با مرحوم سید احمد کتابچی، مدیر وقت کتابخانه و کتابفروشی اسلامیة، در تهران در سال ۱۳۶۰ قمری و فقط چند روز بعد از وفات مولف و به خط طاهر خوشنویس منتظر شده، به جز مقدمه دو صفحه ای ناشر هیچ مطلبی به متن دست نوشت مولف اضافه نشده است و سید احمد کتابچی در مقدمه خود تصریح می نماید که آقایان شیخ محمد علی خیابانی تبریزی و شیخ محمد علی ادیب تهرانی و محمد صادق واعظ زاده کار تطبیق «متن خوشنویسی شده» با «دست نوشت مولف» را به عهده داشته اند؛ اما پس از درگذشت سید

دیدگاه جریان اخباری، تصریح نمود که حتی علامه هم خبر مورد نظر را در کتاب بحار الانوار نیاورده است. وی که از دیدگاه موافقان حدیث مطلع بود و می دانست که آنان حدیث کساء را در برابر اهل سنت و برای پاسخ به شبهات آنان به کار می گیرند؛ این نکته را طرح کرد که حدیث کساء مقبول نزد شیعه و سنی در خانه «ام سلمه» رخ داده است، و در صورتی که حدیث جدید را صحیح بدانیم، به معنی وقوع این ماجرا در خانه حضرت زهرا علیها السلام خواهد بود و دیگر امکان احتجاج با اهل سنت از بین خواهد رفت.^{۴۵}

مدتی بعد برخی رسانه ها از حذف حدیث کساء مورد نظر از کتب مفاتیح الجنان آستان حضرت عبدالعظیم علیه السلام، که آیه الله ری شهری تولیت آن را بر عهده داشت، خبر دادند. این امر واکنش ها را دوچندان نمود و موجب شد تا یکی از سایت های خبری با معاون پژوهشی دانشکده علوم حدیث، که آیه الله ری شهری ریاست آن را بر عهده داشت، به گفتگو بپردازد. او نیز در این گفتگو به رد شایعات و پاسخ به قائلان صحت حدیث پرداخت.^{۴۶}

البته پیش از اظهارات آیه الله ری شهری برخی صاحب نظران چنین دیدگاهی را درباره حدیث مورد نظر مطرح کرده بودند، اما هیچگاه این گونه اسباب نارضایتی طرفداران اعتبار حدیث را پدید نیاورده بود. از مهم ترین این اندیشمندان، علامه سید مرتضی عسکری (م ۱۳۸۶ ش)، محقق نام آور شیعه در چند دهه گذشته بود. وی در سال ۱۳۶۰ ش در آخرین صفحه از کتاب خود با موضوع حدیث الكساء، در چند خط به نقد حدیث مورد نظر پرداخت.^{۴۷} سال ها بعد، در ابتدای سال ۱۳۸۳ ش در یکی از مراکز حوزوی قم، نظر خود مبنی بر ضعف این خبر را بیان کرد و به زودی اخبار آن به برخی عالمان قم رسید. پس از آن بود که برای جلوگیری از شایعات درباره ایشان، نامه ای از سوی شاگردان وی خطاب به علامه نوشته شد. در بخشی از این نامه آمده است: «... اخیرا کلمات متناقض و متضادی پیرامون سخنرانی شما ... نشر و پخش گردید که موجب تشویش افکار عمومی گشته و این امر،

احمد کتابچی به سفارش فرزند وی، سید اسماعیل و با همان قلم طاهر خوشنویس در دو نوبت (۱۳۷۹ و ۱۳۸۱)، مطالبی به اول و آخر مفاتیح افزوده گردید (و البته خوش نویسی به افزده شدن این صفحات به دستور سید اسماعیل، تصریح کرده است). از دهه پنجاه شمسی یک صفحه حروفچینی شده با عنوان «خاتمه» نیز به مفاتیح الجنان اضافه شد که امضای «چاپ افست اسلامی» را دارد و در شمار مزایای این چاپ بر چاپ سید احمد کتابچی به منضم شدن حدیث کساء به آخر آن تصریح می کند.

۴۵. کیهان فرهنگی، ۲۱۲، ص ۱۷-۳۳.

۴۶. برای نمونه این مساله که فرزند محدث قمی، حاج شیخ علی محدث زاده، درج حدیث کساء در مفاتیح الجنان را تایید نموده را از قول وی تکذیب نمود (خبرگزاری مهر، چهارشنبه ۵ بهمن ۱۳۸۴)

۴۷. حدیث الكساء فی کتب الفریقین (چاپ دوم، تهران: مجمع علمی اسلامی، ۱۳۶۰ ش)، ص ۲۷.

باعث نگرانی دوستان و ارادتمندان و شاگردان حضرت عالی شد که با سابقه بیش از نیم قرن شما در دفاع از حریم ولایت و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام منافات دارد...»^{۴۸}.

علامه عسکری در پاسخ، بر سخنان خود تاکید و پس از ذکر تواتر و ضروری بودن واقعه کساء، روایت مورد بحث از حدیث کساء را روایتی بی سند خواند و شاگردان را به کتاب خود با عنوان حدیث الکساء فی کتب مدرسه الخلفا و مدرسه اهل البیت ارجاع داد^{۴۹}؛ و پس از آن مناقشه قابل توجهی درباره دیدگاه علامه مطرح نشد.

فرد دیگری که به مخالفت با این حدیث پرداخت حجت الاسلام نعمت الله صالحی نجف آبادی بود. هرچند اولین دیدگاه‌های وی در این باره برای دهه‌های ۳۰ و ۴۰ خورشیدی است^{۵۰}، اما بعدها نظرات او به طور کامل در کتاب «حدیث‌های خیالی» ارائه شد. وی حدیث شهرت یافته را «دارای انشای ضعیف»، «غیرفصیح»، «اسلوبی نامطلوب و رکیک و مشمئزکننده»، «جعل شده توسط فردی غالی مسلک و کم مایه» و «جعل با هدف گسترش خبر در بین شیعه» دانست و به طور تفصیلی اشکالات متعدد محتوایی و سندی وارد بر این حدیث را ارائه نمود.^{۵۱} در این باره که چرا واکنش‌ها و مجادلات با طرح سخن توسط آیه الله ری شهری اوج گرفت، در میان عوامل متعدد^{۵۲}، باید به رسانه‌ای شدن این خبر، چاپ مفاتیح الجنان متفاوت و اوج گرفتن تردیدها در میان عموم مومنان - و افرادی که تا به حال با اعتماد وجود این حدیث در کتاب محدث قمی و تایید دیگر افراد این حدیث را در بزرگترین جلسات مذهبی خود قرائت می نمودند - و مراجعه متعدد آنان به علمای صاحب نام در این خصوص، اشاره کرد.

به رغم تمامی واکنش‌های صورت گرفته، اصرار آیه الله ری شهری بر اقدام پیشین

48 www.pirastefar.ir/?p=4574.

۴۹. حدیث الکساء فی کتب مدرسه الخلفا و مدرسه اهل البیت علیهم‌السلام.

۵۰. یک فضیلت بزرگ برای پنج تن آل عبا علیهم‌السلام؛ مقاله «حدیث کساء» در مجله مکتب تشیع، ش ۲.

۵۱. در مورد اشکالات برای نمونه: «این حدیث در دوره ای جعل شده که هیئت بطلمیوسی مورد قبول بوده است زیرا در این حدیث از گردش فلک به دور زمین سخن رفته است... امروز این فرضیه از اساس باطل شده است ولی سازنده حدیث کسای جعلی فرضیه هیئت بطلمیوسی را از قول خدا نقل می کند.» و یا: «در مفاتیح چاپ سال ۱۳۷۸ قمری و قبل از نقل این حدیث جعلی، در بالای آن نوشته اند «بسنده صحیح عن جابرین عبدالله انصاری» و این یک دروغ بزرگ است و...» (حدیث‌های خیالی در مجمع البیان، ص ۹۴-۹۷).

۵۲. برای نمونه اعلام کننده این نظر، علاوه بر وجاهت علمی، دارای قدرت اجرایی و رییس یکی از بزرگترین مراکز حدیث پژوهی شیعه (دار الحدیث) است و گفتار او می تواند از این جهت موثر واقع شود و یا آنکه برای نخستین بار توسط وی اقدام عملی صورت گرفت و حدیث کساء با دستور وی از چاپ جدید کتاب مفاتیح الجنان حذف گردید.

همچنان ادامه یافت؛ چنان‌که روابط عمومی آستان حضرت عبدالعظیم علیه السلام بنا به دستور وی، نامه‌ای در این خصوص تنظیم و برای مداحان مشهور ارسال کرد و در آن، عدم مخالفت تولیت این آستان با اصل حدیث کساء و اینکه حدیث درج شده در *مفاتیح الجنان* حدیث اصلی نبوده و مجعول می‌باشد، قید گردید.^{۵۳} با مراجعه مکرر اقشار مختلف و به ویژه طلاب به مراجع در این باره، برخی از آنان نیز نظرات خود را مطرح نمودند.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی از جمله مراجعی بود که بر ضعف خبر تاکید نمود و نظری بعدها در کتاب *مفاتیح نوین* نیز به چاپ رسید. او اصل واقعه را از متواترات دانست، اما حدیث شهرت یافته را از خصائص کتاب منتخب خواند و سندی که به یکی از شاگردان علامه مجلسی در کتاب *عوامل* نسبت داده شده را دارای اشکال دانست.^{۵۴} البته وی بی اشکال بودن قرائت این حدیث را برای یادآوری و طرح مناقب اهل بیت علیهم السلام نیز خاطر نشان نمود.

واکنش‌های شدید و متعدد از سوی برخی بزرگان حوزه سبب شد تا آیه الله ری شهری با چاپ رساله‌ای با عنوان «پژوهشی در حدیث کساء» - که در واقع، قطعه‌ای از همان کتاب پیش گفته اوست - بار دیگر به دفاع از نظریات خود بپردازد. شایان ذکر است که وی همواره بر قبول اصل حدیث تاکید می‌نمود تا با اخباری که به اشتباه از نظرات وی منعکس می‌شود مقابله کند. وی در مقدمه این رساله، که در تاریخ ۱۳۸۴/۷/۷ نگاشته شد، از مطالبی که به او نسبت داده می‌شود، ابراز ناراحتی کرد و با ذکر بخشی از متن انتقادی محدث قمی^{۵۵}، تلاش کرد تا ضرورت اقدام به حذف حدیث از کتب *مفاتیح الجنان* را گوشزد نماید. وی در پایان مقدمه نیز خطاب به محدث قمی جملاتی را نوشت^{۵۶}، که حاکی

53. <http://aftabnews.ir/vdcfcedm.w6dv0agiiw.html>

۵۴. برای نمونه سند این حدیث مطابق نسخه خطی موجود در کتابخانه یزد، در متن کتاب نیست، بلکه در حاشیه آن آمده است و خط آن نیز با خط متن، که دست خط صاحب عوالم است، متفاوت می‌باشد. دیگر آنکه برخی از افراد سلسله سند، حدود هشتاد سال با یکدیگر فاصله دارند. همچنین بعضی از افراد این سند در کتب رجالی توثیق نشده اند. (مفاتیح نوین، ص ۱۴۶-۱۴۹).

۵۵. در بخشی از متن محدث قمی آمده است: «به خاطر رسید که در طبع دوم [مفاتیح الجنان]، بر آن [برخی ادعیه را] زیاد کنم از جمله... لکن دیدم هرگاه این کار را کنم فتح بابی شود برای تصرف در کتاب مفاتیح... و به لعنت خداوند قهار و نفرین رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام و آگذار و حواله نمودم کسی را که در مفاتیح، تصرف کند.» (مفاتیح الجنان، ابتدای بخش ملحقات).

۵۶. در بخشی از این متن آمده است: «ای محدث بزرگوار سراز خاک بردار و با کمال شگفتی ببین که... آنچه را معتبر نمی‌دانستی، با نام «حدیث صحیح» بر آن افزودند! و اکنون که می‌گوییم مفاتیح الجنان باید مفاتیح الجنان باشد، از هر سو فریاد بلند می‌شود که: چرا؟!» (پژوهشی در حدیث کساء، ص ۱۳).

از فشار و واکنش های تند جریان مقابل بود. در ویرایش دوم این کتاب علاوه بر طرح ادله تفصیلی نظر مطرح شده، برای جلوگیری از هجمه ها و شایعات، که برخی از آنها، وی را منکر ضروری مذهب می خواندند، بازسازی واقعه کساء را براساس ساختار کلی و الفاظ احادیث موجود در منابع نخستین، در دستور کار قرار داد. این متن تجمیع شده و تفصیلی به گردانندگان مجالس حدیث کساء کمک می کرد تا جلسات خود را با متن قابل اعتماد از نظری ادامه دهند. در بخشی از رساله نیز به تفصیل اشکالات سندی که در حاشیه نسخه ای از *عوامل العلوم* آمده، بیان شد.^{۵۷} با همه تلاش های صورت گرفته، واکنش ها همچنان ادامه یافت؛ تا آنجا که آیه الله ری شهری در اواسط سال ۱۳۸۶ نیز در جلد پنجم حکمت نامه پیامبر ﷺ و بار دیگر در گفتگو با مجله «همشهری جمعه» به گفتگو در این باره پرداخت و تلاش نمود تا با پاسخ به شایعات از هجمه ها و ادامه مناقشات جلوگیری نماید.^{۵۸} این اقدام بار دیگر با همان انگیزه و در سال ۱۳۹۰ش و در بخشی از مدخل «اهل بیت علیهم السلام» در *دانشنامه قرآن و حدیث* صورت گرفت که با یادداشت تأیید آمیزی از مراجع تقلید نیز همراه بود.

واکنش های قائلین به صحت حدیث

نوشته حاضر گنجایش بیان تمامی واکنش ها در مقابل جریان پیش گفته را ندارد و تنها به برخی نظرات و اقدامات این گروه اشاره خواهد کرد. از جمله قائلین به صحت حدیث مورد نظر در بین مراجع، آیت الله میرزا جواد تبریزی (م ۱۳۸۵ش) بود. وی حدیث یاد شده را از مسلمات و مرتکرات در اذهان عموم مؤمنین، علما و اصحاب ائمه علیهم السلام دانست و از مصادیق وابتغوا الیه الوسيله خواند.^{۵۹} همچنین در واکنش به خبر حذف این حدیث از کتاب *مفاتیح الجنان* تصریح نمود که «حدیث معروف بین علما و مؤمنین، همان حدیث موجود در *مفاتیح*

۵۷. برخی از اشکالات عبارتند از: ۱. تنها مستند سند مذکور، گفته منسوب به شیخ عبدالله بحرانی است که برفرض ثبوت، می گوید: «به خط سید هاشم بحرانی دیدم...»؛ ولی معلوم نیست چه کسی ضامن صحت تشخیص او در این که آن خط، ضرورتاً خط سید هاشم بحرانی است، خواهد بود! ۲. سید هاشم بحرانی که این سند منسوب به اوست، این حدیث را در کتاب های خود (تفسیر البرهان و «غایة المرام») نیاورده است... بلکه آنچه در این کتاب ها آورده، سنداً و متنأ مخالف چیزی است که این خط به او نسبت می دهد. ۳. بسیاری از محدثان بزرگ شیعه، همچون: کلینی، طوسی، مفید، طبرسی و ابن شهر آشوب که در این سلسله سند آمده اند، حدیث را به شکلی غیر از حدیث شایع آورده اند. (همان، ۲۷-۲۹).

۵۸. همشهری جمعه، ۱۶ آذرماه ۱۳۸۶، مصاحبه با حجت الاسلام ری شهری.

۵۹. درس هایی از آیت الله میرزا جواد تبریزی، ص ۱۷۸.

الجنان و بسیار مجرب است؛ و اگر در مواردی مانند این - که از مسلمات بین مؤمنین است - روایات زیادی در دسترس نباشد - که نه به جهت ضعف مطلب، بلکه به جهت وضوح مطلب و رسوخ آن در اذهان است - این خود کافی بوده و نیازی به نقل و ضبط ندارد.^{۶۰}

از دیگر قائلین به صحت حدیث آیت الله سید علی حسینی میلانی بود که واکنش قابل توجهی در برابر جریان نخست نشان داد. وی با اعلام نظر خود، که بعدها در کتاب با پیشوایان هدایتگر منتشر شد، دلایل صحت خبر را در چند مرحله طرح نمود. برای نمونه عبارت محدث قمی را نشانه بی پایه و اساس بودن حدیث کساء ندانست و یا تاکید نمود که وی احتمالاً سند موجود در کتاب *عولم العولم* را ندیده است. همچنین در همین راستا و در قاعده ای کلی نیز اعلام نمود که هیچ گاه يك امر عدمی دلیل بر امر عدمی دیگر نمی شود و نمی شود که انسان برای اثبات يك امر عدمی به يك امر عدمی استدلال کند.^{۶۱}

از منتقدین دیگر جریان نخست، حجت الاسلام شیخ محمد علی العلی، استاد حوزه علمیه احساء عربستان بود؛ که از تشکیک برخی افراد در اعتبار حدیث کساء به شدت انتقاد و هدف آنان را دور کردن شیعیان از معتقدات شان توصیف کرد و این گونه اقدامات را سبب گستاخی بیشتر دشمنان بر ضد شیعه دانست.^{۶۲} از دیگر قائلین به اعتبار حدیث، آیت الله سید صادق روحانی بود که تلاش نمود تا با موثق دانستن یکی از روایان مشکوک سند حاشیه کتاب *عولم*، یعنی قاسم بن یحیی، حدیث را صحیح بداند.^{۶۳}

در این بین از جمله افرادی که نظروی بیش از دیگر علماء مورد توجه روحانیون و عموم مردم قرار گرفت، آیت الله محمد تقی بهجت (م ۱۳۸۸ ش) از مراجع صاحب نام و مشهور به عرفان و اخلاق بود. پاسخ وی خیلی زود در رسانه های دیداری و شنیداری منتشر گردید و تا حد زیادی سبب دلگرمی دوباره معتقدین به حدیث مورد بحث و آثار و برکات آن شد. وی با تاکید بر ویژگی های منحصر به فرد محتوای این حدیث، بر محتوای اعجاز گونه آن تاکید نمود.^{۶۴}

آیت الله سید علی موحد ابطحی، از دیگر شخصیت های این جریان بود که با نگارش کتاب *حدیث کساء و آثار شگفت آن* علاوه بر ذکر دلایل متعدد، اعلام کرد که متن این حدیث

۶۰. همان.

۶۱. پیشوایان هدایتگر، ج ۲، بخش چهارم.

62. <http://deabel.org/vdch6knz.23nxidft2.txt>

63. <http://www.rohani.ir/fa/print/news/515>.

64. <http://shabestan.ir/detail/News/444741>.

در کتاب *غرر الاخبار و درر الآثار* نیز وجود دارد.^{۶۵} وی همچنین به سند جدیدی برای این حدیث با اجازه روایت از آیت الله سید صادق شیرازی، اشاره کرد.^{۶۶} شایان ذکر است که مراجعه به کتاب حسن بن ابی الحسن علی بن محمد دیلمی (م او آخر قرن ۸ ق) با عنوان کامل *غرر الاخبار و درر الآثار فی مناقب ابی الائمه الاطهار* نشان داد که وی در نقل واقعه کساء، بدون اشاره به روایت جابرو نزول آیه در خانه فاطمه علیها السلام چند خط کوتاه از میانه حدیث را آورده است و مقایسه این خبر با حدیث کساء شهرت یافته نشان می دهد که این نقل، تنها بخش بسیار کوتاهی از محتوای حدیث یاد شده است و نمی تواند اثبات کننده تمام آن باشد. همچنین باید توجه داشت که این فقره نیز به صورت مرسل در این کتاب ذکر شده است. جالب است که سند عرضه شده در اجازه حدیثی آیت الله شیرازی نیز در هیچ یک از کتب مسلمانان از ابتدا تا به حال وجود ندارد و برای نخستین بار ارائه گردید.

از میان محققان آثار روایی و مترجمان آنها، حسین استاد ولی نیز، از مترجمان و حدیث شناسانی بود که بر صحت سند کتاب عوالم تاکید نمود و فقرات اضافه شده در محتوا را دارای جنبه تکمیلی و نه تعارضی دانست. وی بر این مطلب فراموش شده تاکید نمود که این حدیث به عنوان دعا مطرح نیست تا بر هر یک از کلمات آن تکیه شود، بلکه مقصود ترویج مطالعه آن در بین شیعیان بوده است.^{۶۷}

گذشته از اظهارات علما و محققان، افکار عمومی نسبت به این مساله حساسیت خاصی از خود نشان داد؛ و برای نمونه خبرگزاری ها و وبلاگ های شخصی تلاش کردند تا در برابر دیدگاه جریان نخست واکنش نشان دهند. برای نمونه می توان از پایگاه های خبری «مفلحون»، «ولیعجه الشیعہ»، «ثقلین» و «قدس آنلاین» نام برد. همچنین بخش قابل توجهی از واکنش ها از سوی عموم مردم - که در بیشتر آنها به مضمون بلند حدیث (به تعبیر آنها)، آثار معنوی آن، دلایلی در صحت حدیث و توصیه به بازگشت از انحراف پیش آمده اشاره داشت - در سایت های مختلف درج گردید.^{۶۸}

۶۵. مجله خورشید مکه، شماره ۴۲، ص ۱۶-۲۴.

۶۶. همان.

۶۷. برای اطلاع از نظریات وی، رک: استاد ولی، حدیث کساء و منزلت آن.

۶۸. برای نمونه: «اولیای الهی و شیعیان با تمسک به این نسخه از حدیث کساء مکرراً به نتیجه رسیده اند و خوب است که با تامل و تحقیق دقیق تری نظر خود را بفرمایند.» «فقط شما کافی است بیابید و ببینید که وقت خواندن حدیث شریف کسا که در هر شب شنبه تا مدتی قبل توفیق خواندن آن را در منزل داشتیم و حدیث شریف را به پنج قسمت تقسیم کرده و می خواندیم شاید سر یک کلمه کم و زیاد خواندن بین بچه ها دعوا بود شماره به خدا به هر نیتی توسط هر کسی با



دفاع از پایان نامه‌ای با عنوان «حدیث کساء نزد شیعه» در دانشگاه خوارزمی^{۶۹} و تالیف کتابی با عنوان «پژوهشی در حدیث کساء» از دیگر اقدامات مکتوب از سوی این جریان فکری و با انگیزه و ادعای حفظ میراث شیعه تلقی می‌شود. نویسنده کتاب یاد شده توانست تا با ارسال سوال به دفتر مراجع و علمای شیعه، دست خط و نظر بسیاری از آنان را درباره حدیث، مبنی بر مقبولیت حدیث کساء، در این کتاب ارائه دهد؛^{۷۰} که البته در برخی موارد در دست خط علما نامی از حدیث کساء مورد نظر نیامده است و یا عبارات مبهمی ذکر شده که دلالت صریح بر اعتبار این روایت ندارد.

از جمله شواهدی که در این کتاب و برای خروج حدیث از ذیل عنوان «شاذ» آمده، نسخه خطی ۱۴ صفحه‌ای در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۸۹۵۴ است؛ در حالی که مراجعه به این نسخه خطی نشان داد که خط نگارش این اثر بی تردید مربوط به دوره قاجار است و در ثبت سال نگارش نسخه اشتباه رخ داده است.

درباره بازخورد مباحثات دو جریان فکری باید گفت تغییری در برنامه‌های عمومی و حتی رسانه‌ای رسمی کشور پدید نیامد. در حال حاضر همچنان اطلاعیه‌های مختلفی در فضای حقیقی و مجازی در مورد جلسات قرائت حدیث کساء مورد نظر و آثار و برکات آن منتشر می‌شود.^{۷۱}

نکته پایانی آن‌که، مطابق معمول، از پیامدهای این‌گونه اختلافات بین علمای شیعه، برداشت سوء فرقه‌های انحرافی بر ضد شیعه بود؛ که برای نمونه می‌توان از شخصی وهابی به نام ابوبکر حسین نام برد که در رساله‌ای با نام «جعل روایت در عصر حاضر در مکتب شیعه به گواهی خودشان» به این امر دامن زد؛ که البته این موضوع سبب واکنش و پاسخ قابل قبول شیعیان شد.^{۷۲}

اعتقادات مردم کاری نداشته باشید» و یا «جناب استاد ری شهری، به فکر فردای قیامت‌مان هم باشیم و دل امام زمان را روزبه روز با کارها و حرف‌های جدیدمان به درد نیاوریم.» (http://shianew.blogfa.com/post/39).

69. http://daralsadegh.blogfa.com/post/71

۷۰. برخی از این مراجع تقلید و محققان عبارتند از آقایان: وحید خراسانی، سیستانی، صافی گلپایگانی، بشیر نجفی، اسحاق فیاض، سید تقی طباطبایی قمی، میرزا جواد تبریزی، سید محمد حسینی شاهرودی، مدنی تبریزی، شمس‌الدین واعظی، علاء‌الدین غریفی، سید محمد سعید حکیم، علوی گرگانی، موسوی اردبیلی، محمد تقی بهجت، عزالدین زنجانی، یثربی، محمدسند بحرانی، شیخ هادی نجفی، مستجابی، میردامادی، سید علی حسینی صدر، بهشتی اصفهانی، ملک حسینی و حقیقت (سلمان پور، پژوهشی در حدیث کساء، ص ۱۵۱-۱۷۱).

71. http://anjoman.tebyan.net/newindex.aspx?pid=17257&threadID=546516.

72. http://mmoosa.blogfa.com/tag.

نتیجه

واقعه کساء به طور متعدد در منابع نخستین شیعه و سنی نقل شده و همواره از سوی علمای شیعه به عنوان یکی از ادله حقانیت مذهب نقل می‌شد؛ تا آن‌که برای نخستین بار شیخ طریحی این واقعه را در قالب داستانی و شورانگیز نقل نمود تا بیشتر در مراسمات توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و توسط عموم مورد استقبال قرار گیرد. این خبر به دلیل شهرت خاندان طریحی، مقبولیت وی نزد علما، تلاش شاگردان وی برای انتشار کتب مرثیه، محتوای سنگین خبر در مناقب اهل بیت علیهم‌السلام، اهمیت نقل و توسعه چنین اخباری در عصر صفوی و از همه مهم‌تر تسلط برخی قواعد چون «تسامح در ادله سنن» و «جبران ضعف سند به واسطه شهرت راوی» در این عصر در میان شیعیان به طور گسترده رواج یافت. مدتی بعد اما جریان فکری معتقد به ضرورت مقابله با اخبار ضعیف، این حدیث را بدون پیشینه و منبع، اسناد دیگر ارائه شده برای آن را فاقد اعتبار، برخی بخش‌های محتوای آن را غیر قابل قبول و اعتماد، و ذکر آن در منابع ادعیه را غیر موجه دانست و دلایل متعددی را در این باره طرح نمود؛ که از آن جمله می‌توان به عدم نقل آن توسط علامه مجلسی، محدث نوری و محدث قمی اشاره نمود. ادامه یافتن رواج این خبر در بین شیعیان سبب شد تا در یک دو دهه گذشته تلاش برای حذف این‌گونه اخبار، که از سوی جریان یاد شده نامعتبر خوانده می‌شد، دنبال شود؛ و از جمله طرفداران آن آیه الله ری شهری، علامه عسکری و برخی مراجع تقلید بودند. همین امر واکنش قابل توجهی را از سوی برخی علماء، روحانیون و عموم مردم به دنبال داشت؛ و تلاش شد تا با به کارگیری رسانه‌های دیداری و شنیداری و ارائه اسناد جدید برای این خبر، دفاع از پیشینه خبر، شرح محتوای مناقب موجود در خبر، انتشار دست خط برخی علما و مراجع درباره مجزّب بودن خبر، نگارش پایان نامه، کتب و مقالات در باره صحت این خبر، در مقابل جریان یاد شده مقاومت شود.

منابع

- قرآن کریم.
- «پژوهشی درباره کتاب عوالم»، کاظم قاضی زاده، فصلنامه نامه مفید، ۱۳۸۸، ش ۶.
- اخباری گری، ابراهیم بهشتی، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۲.
- ارشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۱.
- امالی، محمد بن حسن طوسی، ترجمه: صادق حسن زاده، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸.

- اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر، جعفر مرتضی عاملی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- بررسی مسایل کلی امامت، ابراهیم امینی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- پژوهشی در حدیث کساء، محمد ری شهری، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۴.
- پژوهشی در حدیث کساء، مهدی سلمان پور، قم: نشر علامه بهبهانی، ۱۳۹۱.
- پژوهشی در منظومه ی حدیث کساء به زبان لری بختیاری، محسن حیدری، تهران: نشر تمتی، بی تا.
- پیشوایان هدایتگر، سیدعلی حسینی میلانی، قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۸.
- تاریخ حدیث شیعه در سده هشتم تا یازدهم، علی نقی خدایاری، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹.
- تاریخ خلفا و مقتل امام حسین علیه السلام، رسول جعفریان و محمد باقر وثوقی، تهران: نشر علم، ۱۳۹۳.
- تفسیرابی حمزه الثمالی، ابوحمزه ثمالی، بیروت: دارالمفید، بی تا.
- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۰.
- تفسیر، فرات بن ابراهیم کوفی، تهران: وزارت الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- جامع البیان، آستان قدس رضوی، محمد بن جریر طبری، مشهد: شرکت به نشر، ۱۳۹۰.
- جلسه سیرمقتل نگاری عاشورا در سلسله جلسات نظریه پردازی موسسه فهیم، محمد هادی یوسفی غروی، در سال ۱۳۹۲.
- حدیث کساء و منزلت آن، حسین استاد ولی، تهران: مرکز فرهنگی شبیر، ۱۳۷۶.
- حدیث های خیالی در مجمع البیان، نعمت الله صالحی نجف آبادی، تهران: نشر کویر، ۱۳۸۷.
- خصال، محمد بن علی بن بابویه صدوق، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷.
- درایت و روایت در هدف نگاری قیام عاشورا، اسماعیل عامری، قم: انتشارات صحیفه خرد، ۱۳۹۴.
- الذریعه، محمد حسین طهرانی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
- روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، محمود بن عبدالله آلوسی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله افندی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله

- العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ق.
- سنن، محمد بن عیسی ترمذی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- سؤال و جواب للسید الیزدی، سید محمد کاظم یزدی، تحقیق: مصطفی محقق و همکاران، تهران: مرکز نشر العلوم الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ابوالقاسم حسکانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- طبقات اعلام الشیعه، محمد حسین طهرانی، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
- عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام، محمد صحتی سرورودی، قم: نشر خادم الرضا، ۱۳۸۵.
- عوالم العلوم، عبدالله بن نورالله بحرانی، قم: موسسه الامام المهدي، ۱۳۸۷.
- فتح القدیر، محمد بن علی شوکانی، بیروت: المكتبة العبيکان، ۱۴۱۸ق.
- فهرست خوشنویسان دوران قاجار تا معاصر، حمیدرضا قلیچ خانی، بی جا: ۱۳۸۹.
- کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۹.
- کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
- کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی بن بابویه صدوق، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲.
- کیهان فرهنگی، مصاحبه اختصاصی با محمد ری شهری، تهران: موسسه کیهان، شماره ۲۱۲، ۱۳۸۳.
- لؤلؤ و مرجان، حسین بن محمد تقی نوری، تهران: برهان صادق، ۱۳۹۳.
- ماضی النجف و حاضرها، باقر آل محبوبه، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۶ق.
- مثیر الاحزان، جعفر بن ابی ابراهیم حلّی، قم: نشر حاذق، ۱۳۸۰.
- مجله خورشید مکه، مصاحبه اختصاصی: سید علی ابطحی، ۱۳۸۵: ش ۴۲.
- مجمع البحرین، فخرالدین محمد بن جریر طریحی، تصحیح سید احمد اشکوری، تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
- مسند، احمد بن حنبل، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۶ق.
- مفاتیح الجنان، عباس قمی، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸.
- مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۱.

- منتخب، فخرالدین بن محمد طریحی، نجف: بی جا، ۱۳۷۳ق.
- منتهی الآمال، عباس قمی، تهران: مبین اندیشه، ۱۳۹۰.
- منهاج السنه، احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه، تحقیق: محمد رشاد سالم، سعودیه: دار النشر، ۱۴۰۶ق.
- نهج الحق و كشف الصدق، حسن بن یوسف حلی، تهران: تاسوعا، ۱۳۷۹.
- همشهری جمعه، مصاحبه اختصاصی با محمد ری شهری، تهران: موسسه همشهری، ۱۳۸۶.

_www.aftabnews.ir
_www.tebyan.net
_daralsadegh.blogfa.com
_www.deabel.org
_mmoosa.blogfa.com
_www.shabestan.ir
_shianew.blogfa.com
_www.rohani.ir
_www.pirastefar.ir